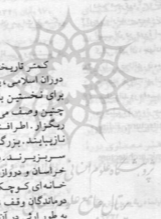


مساجد تاریخی

مسجد جامع دامغان

ناصر افشارفر



پروژه نگاه علوم انسانی
پایه پژوهش‌های جامع

کمتر تاریخنگار، جغرافیدان و جهانگردی است که در دوران اسلامی، یادی از مسجد جامع دامغان کرده باشد. تنها برای نخستین بار، مقدسی، جغرافیدان مسلمان، دامغان را چنین وصف می‌کند: دامغان قصبه‌ای است کوچک در یک ریگزار. اطرافش ویران، گرمابه‌هایش بد و بازارهایش نازیباست. بزرگان بسیار ندارد. هوایش معتدل و مردمش سرسبزند. دژی با سه دروازه دارد. دروازه ری، دروازه خراسان و دروازه (۲). دو بازار پایین و بالا دارد، که مانند خانه‌ای کوچک است، و برای ریاض فرآور و دهستان و دومان‌گان وقف شده است، ولی اجاره آن برداشت نمی‌شود؛ به طور ارثی در آن می‌نشینند و چیزی به آن نمی‌افزایند. جامعی پاک و خوش منظر در کوچه دارد و حوضهایی مانند حوض آبهای مرو. [مقدسی، احسن، ج ۲، ۵۲۱، ۵۲۲]

آیا منظور مقدسی از «جامعی پاک»، همین مسجد جامع امروزی است، یا تاریخانه مسجد قدیم‌ترین شهر.

با توجه به زمان دیدار مقدسی - در سال ۳۷۵ هـ. ق. - منظور وی از مسجد جامع، باید همان تاریخانه قدیم باشد. زیرا، بخش خشتی آن - بویژه مناره - در زلزله سال ۲۴۱ هـ. ق. خراب شده بود، و در عصر زیاریان و ابوحرب بختیار، مناره آن به شکل امروزی و با آجر ساخته شد. [ر.ک: افشارفر، مسجد،

۳۸، ۳۶، ۳۴] بنا براین، با توجه به آمار مالیات دامغان، از وصف اجتماعی - اقتصادی در قبل و بعد از زلزله مذکور، نتیجه می‌گیریم که منظور از جامعی پاك، که مقدسی نقل کرده، همان مسجد تاریخانه است.

ایستویک - معاصر نادرشاه - این بنا را دیده است، و آن را متعلق به قبل از سال ۱۱۱۹ ه. ق. یعنی سال تأسیس مدرسه جامع فتحعلی بیک می‌داند. مدرسه فتحعلی بیک، درست رویروی این مسجد قرار دارد.

میرزا ابراهیم نیز، در سفرنامه خویش در سال ۱۲۷۶ ه. ق.، جامع دامغان را چنین وصف کرده است: «مسجد جامع دامغان را، هارون الرشید بنا کرده است، که در پهلوی مناری دارد که دارای یکصد پله می‌باشد، که سرش خراب شده است. طرف راست مسجد جامع، سنگی را لعن نامه کنده‌اند، به تاریخ ۹۹۷ هجری. و مناره دیگر هم هست که نصف بیشترش خرابه است. و مدرسه مقابل مسجد جامع را حاج فتحعلی بیک قاجار ساخته است که سه دروازه اش تاریخ دارد؛ سنه ۱۱۱۹، [میرزا ابراهیم، سفرنامه، ۲۴]

در عهد قاجار، سرتپه هارون شیندلر نیز مسجد را دیده و به وصف آن پرداخته است. او مسئول کشیدن خط تلگرافی بود، که از طریق تبریز، تهران، خراسان و سیستان به خط تلگراف هندوستان وصل می‌شد. شیندلر، در عین حال، تاریخدان و باستان‌شناس است و در مورد دامغان به اظهار نظرهایی پرداخته، که بعدها باستان‌شناسان به آن پی برده‌اند. شیندلر درباره مسجد جامع می‌نویسد: «در دامغان عمارات هم دارد، و دو مناره بسیار مرتفع دارد. و یکی پهلوی مسجد جامع است، تخمیناً هشتصد سال پیش از این ساخته شده است، [با] سی و دو زرع ارتفاع. از پایین تا بالای این مناره صد و دو پله می‌خورد. سرش خراب شده است، دور مناره به خط کوفی، با آجر بیرون آورده‌اند و بواسطه خرابی خواننده نمی‌شود. مسجد جامع، کوچک است، تعریف ندارد.» [شیندلر، سفرنامه، ۱۶۰]

محمد حسن خان صنیع الدوله، در کتاب مطلع الشمس، اطلاعات دقیقتری از مسجد می‌دهد. توصیف صنیع الدوله متبندی شده، که بسیاری از تاریخ نویسان محلی از آن سود جستند. همچنین، کسانی چون عبدالرفیع حقیقت در تاریخ قومن، اقبال یغمائی در جغرافیای تاریخی دامغان و علی اصغر کشاورز در صند دروازه و بالاخره طاهریا در دامغان شهرزادنامه، به شرح و توصیف این مسجد برآمده‌اند. در میان خاورشناسان غربی نیز، ویلبر در کتاب معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان و کریستی ویلسن در تاریخ صنایع ایران، از مسجد و مناره آن سخن می‌رانند. در سنوات اخیر نیز، دکتر شهریار عدل، به کمک تیم کوهنوردی دماوند، در سال ۱۳۶۰ ه. ش کتیبه فوقانی مناره مسجد را تقریر و عکسبرداری کرد و سن آن را تخمین زد. وی بتفصیل، بر روی مناره تحقیق

نمود و حاصل آن را در مجله اثر شماره‌های ۷-۸ و ۹ به چاپ رساند.

اسماعیل یغمائی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان: «یک اثر معماری ایلخانی»، در مجله باستان‌شناسی، سال اول، شماره پاییز و زمستان ۱۳۶۵، به تخمین عمر کاشیهای قدیم مناره پرداخت. در هر حال، هنوز یک اثر مستقل و مدون - اعم از مقاله یا کتاب - درباره مسجد جامع دامغان نگاشته نشده است، و این مقاله می‌تواند نخستین نمونه آن باشد.

طرح کلی نقشه مسجد جامع

مسجد در زمینی به مساحت ۶۲ × ۷۰ متر بنا شده است که شامل بخشهای ذیل است:

بخش اول:

زمینی است، از بقایای مسجد اولیه، به شکل مستطیل و شامل دو ورودی، یکی در ضلع غربی و دیگری در ضلع جنوبی، که با سه پلکان به صحن زیرزمین مسجد متصل می‌شود. آثار چهارستون متصل به دیوار ضلع غربی، شرقی و شمالی قرار دارد، که نشانگر مسقف بودن این بخش در دوره اولیه آن است. مساحت داخلی این بخش ۱۴ × ۲۰ متر است.

بخش دوم:

در غرب بخش اول، راهره قدیمی که از شمال به وسیله یک در چوبی و دو سکوی پهن به بنا متصل می‌شود، به چشم می‌خورد. این راهره ۲۰ متر طول و چهار متر عرض دارد. در دیگری نیز که راهره را به صحن جدید وصل می‌کند، در بخش غربی این قسمت قرار دارد. این مناره و راهره از قدیمترین بخشهای بنا به شمار می‌آیند. مناره مذکور ۱۰۵ پله دارد و بلندی درون ستار ۳۱ متر و بیرون آن - از سطح زمین - حدود ۳۲ متر است. [هدل، اثر، ۲۹۸]

این مناره شامل دو کتیبه به خط کوفی است که اولی در ارتفاع حدود ۱۰ متری قرار دارد، و با آجر تزئین شده است و بخشی از آیه ۳۵ سوره نور را دربر گرفته است: «بسم الله الرحمن الرحیم الله نور السموات والأرض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح المصباح فی زجاجه الزجاجه...»

کتیبه دوم در ارتفاع - تقریباً - ۲۹ متری واقع است. قسمت بالای مناره سین - در نزدیکی اصفهان - با کاشیهای رنگینی تزئین شده است، که مایرون اسمیت در مقاله خود در آثار ایران، می‌گوید که قدیمترین سفال رنگی، برای آرایش خارج بنا همین کاشیکاری است که در سال ۵۲۶ ه. ق ساخته شده است. مناره مسجد جامع دامغان نیز، در قسمت بالا کاشی کاری دارد. که اگر متعلق به زمان خود مناره باشد، احتمال می‌رود که از کاشیکاری مناره سین قدیمتر باشد [ویلسن، تاریخ، ۱۵۸]

جهانگردان و محققان بیشماری همچون صنیع الدوله آندره گدار و دیگران به این کتیبه کاشیکاری اشاره کرده‌اند، ولی هیچ‌یک موفق به رویت آن از نزدیک نشده‌اند. تا آنکه، در زمستان ۱۳۶۰ هـ. ش، دکتر شهریار عدل به همراهی تیم کوهنوردی دماوند، از فاصله‌ای نزدیک عکسها و اسلایدهایی از این کتیبه تهیه کرد و مشخص نمود که امروزه ۱۴ کاشی آن به طور ناهمگون چسبیده شده است.

وی، در مقاله خود با تعجب می‌گوید: «به عللی که هنوز به درستی روشن نگردیده، کاشیها در زمانی نا معین جابجا شده است. در حال حاضر نمی‌توان کلمات دو آیه فوق‌الذکر [که از آن سخن خواهد رفت]، و حتی بعضی از حروف کلمات آن را پشت سرهم خواند». [عدل، ۱۳۹۹]

طاهرها در دامغان ششهنزارساله، از واقعه‌ای سخن می‌گوید که می‌تواند پاسخگوی پرسشهای باشد که دکتر عدل در تحقیق خود به آن رسیده است. وی چنین می‌گوید: «در اذان صبح روز ۱۵ ذیحجه ۱۳۵۱ هـ. ق، برابر با ۲۲ اسفند ۱۳۱۱ هـ. ش، برق شدیدی به مناره اصابت و پس از به گوش رسیدن صدای مهیبی، شکافی بزرگ از بالا به پایین در آن ظاهر و پس از مدتی آن را تعمیر کرده‌اند».

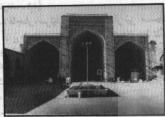
بنابراین، مسلم می‌نماید که کاشیهای مناره ریخته است و بسیاری از آن شکسته و بقیه آنها، چون توسط معماران محلی و نا آشنا به متن وصل شده، کتیبه را دچار ابهام بیشتری کرده است.

امروزه ۱۴ کاشی در بخش بالای مناره باقی مانده است که توسط دکتر شهریار عدل کلماتش مشخص و به تشخیص آقای عبدالله قوجانی تقریر گردید که آیات ۱۸ و ۱۹ سوره آل عمران است: «بسم الله الرحمن الرحيم شهدالله أنه لا اله الا هو والملائكة و أولو العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم، ان الدين عندالله الاسلام و ما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جائتهم العلم بغياً بينهم و من يكفر بايات الله فان الله سريع الحساب» در حال حاضر تنها از شهدالله... تا الاسلام در کتیبه - هرچند به طور محشوش - موجود می‌باشد. و بقیه از بین رفته است.

خود مناره با طرحهای آجرکاری تزئین شده، که بهترین و شاید مستقل ترین نمونه گره‌سازی دربناسات و بهترین قسمت آن «گره سازی چهارمقسم» است که در بخشهای فوقانی مناره به چشم می‌خورد.

در این بخش، غیر از مناره، سردر ورودی مسجد جامع واقع است که ساده و بی‌تزیین می‌باشد. تا دو سه سال پیش، درصمت راست سردر ورودی، سنگ لوحی از فرامین شاه طهماسب صفوی قرار داشت، که همانند بسیاری از آثار قدیم این شهر، به

سرت و تاراج رفت. این سنگ لوح، از همان نوعی است که در مساجد قزوین، استرآباد، اصفهان، اردستان، کاشان و بعضی نقاط دیگر موجود است و غالباً از طرف شاه طهماسب اول یا شاه عباس بزرگ، برای حفظ انتظام امور مردم، بویژه وضع مالیاتها صادر شده است. [محبظ، نظور، ۱۳۸۸] متن این سنگ نبشته به قرار ذیل است: «هو الله سبحانه، الملک لله، یامحمد یاعلی، بسم الله الرحمن الرحيم، فرمان همایون شرف نفاذ یافت، [از] آنکه چون بر ذمت همت سلاطین دین پشاه، که مظاهر السلطان العادل، ظل الله اند، لازم و منحتم است که به مقتضای: «ان احسنتم احسنتم لانسکم»، بسط قوانین معدلت و احسان و نشر مآثر نعمت و امتنان را، معظم مطالب خود دانسته، پیوسته توجه ضمیر خیز تنویر، که مدبر امور صغیر و کبیر است، مصروف سازند تا آنکه افراد خلائق که ودایع الله فی ارضه اند در خوابگاه امن و رفاهیت، آسوده و دربستر آسایش



و فراغت غنوده باشند. لهذا، و بنا بر اقتضای مرحمت ذاتی و مکرمت جلی، که در بنادیت فطری صانع خمرت طینت آدم به ید قدرت، موکوز جلیت ما گردانیده به مضمون بلاغت مقرون و حفظ سهم جناح الذل من الرحمه، همگی نیت صافی طوبیت مصروفه آن داریم که تازلال توفیق سلطنت، از منبع: «ان الأرض لله یورثها من یشاء» روی زمین جاری، و صلصال وجود حاسدان این آستان رفیع المسکان ما، چون قالب اطفاق بی جان ایشان در زیرزمین شواری خواهد بود، همواره باب رحمت اطفاق نوایر بدعت فرموده، آنچه مرتبه پرتو اطلاع همایون بر کیفیت آن افتد از وجهی وجهه همت، به رفع آن گماریم که نتایج آن تا آخر دوران برصفحات استمرار، باقی باشد. و هر صورت محشده که در ایام سالفه معمول به درجه استقرار رسیده باشد تا بیاری شریعت قوی و دستیاری معدلت خسروی، غبار آن از صفعه روزگار شسته گردد. بنابراین در این ولا که مجدداً خاطر خاطر، متوجه انتظام احوال و فراغ بال مردم ممالک خراسان فرموده ایم شمه‌ای از مراسم بی‌اندازه شاهی دربار ایشان فرموده، از ابتدای بیچین ایل، آنچه از بابت مال غسالان و گورکنان درممالک خراسان جمع، و در جزوه

معمول بوده باشد، به تخفیف و تصدق مقرر کرده، ثواب آن را به حضرات مقدسات مطهرات عالیجات سامیات هدیه نمودیم. به حکام گرام و تیول اخراج و باطل دانسته از اول سنه مذکور، دینار به علت مال و اخراجات از غسالان و خفاران طلب نداشتند، مطلقاً پیرامون نگردند. متوفیان عظام دیوان اعلیٰ، رقم این موهبت را مقرون به خلود دوام دانسته در دفاتر عمل نمایند، و از جوانب بر این جمله روند و هر ساله حکم مجدد بطلبند و تغییر کننده این در لعنت و سخط حضرت رسالت پناه - صلی الله علیه و آله - و غضب حضرات ائمه معصومین - صلوات الله علیهم - دانند، و صورت حکم اشرف اعلیٰ را به سنگ نقش کرده، در هر محل از بلاد خراسان، در جای مرتفع که معبر و مجمع خواص و عام باشد نصب نمایند. کتب بالأمراعی - اعلاء الله تعالی و خلد بقا له - فی یوم السابع و العشرین من شهر رمضان المبارک، قوی ثیل، سنه تسع و سبعین و تسعمائه [۹۷۹]

بخش سوم:

بخش دیگر مسجد، سالن قدیمی و سرپوشیده زمستانی آن است. به طول ۱۴ و عرض ۹/۳۰ متر، که در جنوب غربی قرار دارد. سقف بنا، در جهت طول به دو بخش ضریبی تقسیم شده است که پایه های هر بخش بر روی چهار ستون مکعب مستطیل یک اندازه و موازی هم قرار دارد. قطر هر ستون ۱/۳۳ متر است. ستون اول مقابل در ورودی، مدخل را به دو بخش تقسیم می کند، که در حال حاضر یکی از آنها مسدود است. بنظر می رسد که بخش شمالی بنا یک در و بخش جنوبی نیز در دیگری داشته، و گویا در شمالی به زنان و جنوبی به مردان اختصاص داشته است. در بخش جنوبی، مقابل هر ستون یک ستون دیگر هم قرار دارد که متصل به دیوار جنوبی است. میان هر کدام از ستونهای متصل به دیوار طاقچه ای قرار دارد. در ضلع غربی نیز بین یک بخش دو طاقچه و در بخش دوم آن، به جای دو طاقچه یک طاقچه و محراب قرار دارد کل بنا با آجر تزیین شده است و سبکی ساده دارد.

بخش چهارم:

این بخش، به عنوان بزرگترین ایوان قدیمی بنا جلوه می کند که یک شبستان بلند است، با دو دهانه در کنار شبستان بزرگ. این شیوه معماری از عهد سلجوقیان بار دیگر در ایران متداول شد. پیشتر این شیوه در عهد ساسانی متداول بود. بلاسر شبستان اصلی و بزرگ، جای خالی کتیبه ای قرار دارد، اما نه کاشی دارد نه جهانگرد و محققى از آن گزارش داده است.

شبستان بزرگ از طریق ستونهای مکعب مستطیل و قطور به ایوانهای جنبی متصل است. در گوشه شمال غربی و جنوب غربی بنا، این ایوانها به وضوخانه و بخش زمستانی متصل

می شود. ستونهای مکعبی شکل، در ضلع شمالی و جنوبی متصل به دیوارند. در مجموع، این ایوانها و شبستان، به وسیله شش ستون آزاد مکعبی شکل و ده ستون متصل به دیوار، شکل هلالی آجری شبستان و دهانه های متصل به آن را تحمل می کنند. چهار ستون اول و دوم - که دو تای آن آزاد و دو تا متصل به بناهای جانبی است - دارای عرض ۲۶۶ و ردیف سوم ۲۳۳ سانتیمتر است.

محراب با گچ مقرنسکاری شده، با تزیینات هندسی گچی، در جنوب غربی شبستان بلند، قرار دارد. داخل بنا پوششی از گچ دارد، که در پاره ای از موارد - نظیر ستونها - تزیینات هندسی ساده است. اما سقف شبستان و دهانه ها تماماً از آجر و به شکل منحنی متصل به ستونها بنا شده است.

به هر روی، همه این چهاربخش، مشخصات ساختمانهای عهد سلجوقی به بعد را دارند نظیر: کاشی که از عهد سلجوقی به بعد در بیرون بنا به کار می رفته است، و همین طور شبستان بلند که از مشخصات بناهای این عهد به شمار می آید.

چون در پایان قرن پنجم سلجوقیان به همت هنرمندان و معماران اصفهانی، دامغان، اصفهان و شهرهای دیگر را آباد کردند، همچنین به دلیل وجود نام «الامیر الجلیل ابو شجاع اسفاریکی پیر اصفهان» در کتیبه برج مقبره چهلدختران امامزاده جعفر دامغان، که کتیبه کوفی آجراکاری شده متعلق به سنه ۴۴۶ هـ. ق را نشان می دهد، بنای این مسجد را هم - که مشخصات سلجوقی دارد - به نیمه دوم قرن پنجم می توان نسبت داد. چنانکه کریستی ویلسن مناره آجراکاری آن را که شباهت به مناره روستای «سین» اصفهان دارد متعلق به حدود سال ۴۵۰ هـ. ق می داند، که اگر چنین باشد مسجد در عهد طغرل یا آلب ارسلان سلجوقی بنا شده است، هر چند با توجه به آغاز کار سلجوقیان، بعید به نظر می رسد. زیرا، عمران و آبادی سلجوقیان بیشتر از زمان وزارت خواجه نظام الملک طوسی بود. و نظام الملک نیز در ۴۵۵ هـ. ق و بعد از قتل عمیدالملک به وزارت آلب ارسلان رسیده است. بنابراین بنا توجه به خدمات وی تا سال ۴۸۰ هـ. ق، احتمالاً آثار سلجوقیان در خدمتایون متعلق به نیمه دوم قرن پنجم هـ. ق و در حدود ۴۷۰ تا ۴۷۵ هـ. ق و در عهد ملکشاه سلجوقی می باشد.

بخش پنجم:

این بخش با توجه به نقشه همکف بنا می تواند ادامه بخش اول باشد، که در زیرزمین و بخش شرقی بنا قرار گرفته است. این بخش مسجد ویرانه ای بوده است که به وسیله میرزا محمدخان سپهسالار تجدید بنا شده است. این مسجد عبارت است از: یک شبستان و یک صحن. شبستان هجده طاق خواجه پوش و ده ستون مربع آجری دارد. طول شبستان چهل و سه قدم (۲۶ متر) و عرض بیست و سه قدم (۱۴ متر)، و قبله به حیثی کج است که باید زو به ضلع طرف یسین ایستادو



مسجد چهارم در شهر اصفهان واقع شده است. این مسجد در سال ۱۳۴۰ هجری قمری بنا شده است. مساحت آن ۱۶۰ متر مربع است. این مسجد در غرب شهر اصفهان واقع شده است.

نماز گزار در در همین ضلع محرابی است، در شبستان چند بخاری ساخته شده و صحنی که مرخوم سپهسالار برای مسجد بنا کرده، ناتمام مانده است. [اعتمادالسلطنه، مطلع، ج ۳، ۲۶۸] گچبری مسجد ناتمام است. و تنها محراب و بخش جنوب غربی صحن گچبری شده است. گچبری محراب الهام گرفته از شبستان الجایتو جامع اصفهان است، که به طور مستقیم تا عهد قاجاریه تکرار می شد. نظیر محراب این مسجد در جامع بسطام شاهرود نیز تکرار شده است.

بخش ششم:

در ضلع جنوبی مسجد، مجموعه ۱۰ ستون متصل به دیوار که طاق را در بر گرفته اند تشکیل دهند شبستان تابستانی هستند. معروف به «مسجد سرهنگ»، که در عهد قاجاریه ساخته شده است. وجه تسمیه چنین است که گویا سرهنگ، مباشر سیف الله میرزا، فرزند فتحعلی شاه بوده که در عصر محمدشاه بر این نواحی تسلط داشته است. مؤلف مجهول سفرنامه بخارا می نویسد: «متزل دهم دامغان که شش فرسخ است» در کنار باغی خیمه زده منزل ساختیم. آنچه از تقریرات رعایا و برابیا معلوم شد از نواب سیف الله میرزا واضی و شاکر بودند، ولی از نایب و سرهنگ شاکمی بودند و سرباز نیز شکایت کلی از آنها داشت که مواجب به ما نمی رسانند». [بی تا، سفرنامه، ۲۲]

مساحت این بخش ۳۱۲ متر است و ۱۰ ستون دارد که دور هر ستون ۱۶۰ سانتیمتر می باشد. این بخش در انتها به بخش سوم - که در عهد سلاجقه ساخته شده است - متصل می شود.

بخش هفتم:

این بخش از بنا، تا سال ۱۳۴۰ هـ. ش مخروبه بود، که به همت اهالی و معماران محلی همچون حاج علی اصغر مرشدی ساخته شد. این مسجد، به استثنای چهارستون یاریک حامل نورگیر - که به شکل گنبد مسجداالاقصی ساخته شده - ستون دیگری ندارد. مسجد در صحنی به مساحت ۶۹۵/۵ متر و در امتداد بازار قدیم شهر، ساخته شده است.

در شمال شرقی این بخش دو باب منازه قرار دارد، که در کنار قیصریه واقعند. قیصریه دارای طاق گنبدی ضربی است و مسجد جامع را به مدرسه حاج فتحعلی یک متصل می کند.

در بخش غرب این صحن دستشویی و وضوخانه مسجد قرار دارد، که به وسیله یک درب ورودی به بخش چهارم متصل می شود. در شمال این بخش نورگیری قرار گرفته است که چند پنجره به بازار دارد. بخش زنانه مسجد به صورت بالکن است و در بخش شرقی قرار دارد. چهاردر بزرگ به وسیله سه پلکان صحن داخلی را به حیاط متصل می کنند در جنوب غربی

ساختمان دری قرار دارد که بنا را به صحن بخش چهارم متصل می نماید.

دورتادور چهار در بزرگ ورودی صحن - به عرض ۴/۶۰ سانتیمتر - آهاتی از کلام الله مجید، به شکل هلالی و به خط ثلث، بر روی کاشی خشتی سفید رنگ با زمینه لاجوردی نقش بسته است، و نام «کوچک کرامتی» که گویا مصارف معماری این بخش را پرداخته به چشم می خورد.

در جنوب غربی این بخش، محراب کاشی کاری مسجد قرار دارد، که به سبک کاشی کاری محراب مسجد سید اصفهان ساخته شده است. دور تا دور محراب، با کاشی معرق زینت شده و آیه ۳۵ سوره نور، به خط ثلث و با رنگ سفید بر زمینه لاجوردی نگاشته شده است. امروزه نماز جمعه دامغان در این صحن برگزار می شود.



بخش هشتم:

در این بخش، حیاط اصلی مسجد قرار دارد که از شمال به راهروی بخش دوم و پلکانهای ورودی صحن بخش هفتم، از شرق به زیرزمین مسجد (بخش پنجم)، از غرب به شبستان قدیمی (بخش چهارم) و از جنوب به مسجد سرهنگ (بخش ششم) و راهروی خروجی مسجد متصل است. این صحن ۲۹ متر طول و ۲۶ متر عرض دارد.

بخش نهم:

این بخش شامل دستشویی و وضوخانه مستقلی است که متصل به بتا می باشد و در کنار راهرو خروجی جنوبی مسجد قرار دارد.

بخش دهم:

دستشویی و وضوخانه بزرگی است که در غرب صحن قرار گرفته است.

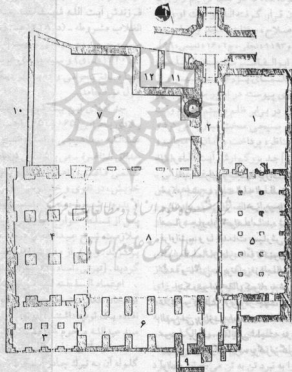
از قرن پنجم هـ. ق تا به امروز، مسجد جامع صحنه وقایع مهم تاریخی بوده است، چرا که در زمانهای ایران، مردم به این مسجد پناه می آورده اند. اما متن دقیق تاریخی که از قلم مؤلفی محلی پاراوی بی طرفی باشد به دست نیامده است.

از وقایعی که در تاریخ آمده، و به زمان ما نیز نزدیک است، مبارزه میان مجاهدین مشروطه - در پایان استبداد صغیر - با سلطنت طلبیان و طرفداران محمدعلی شاه قاجار باز می گردد. در این واقعه، سلطنت طلبان از مناره مسجد جامع به عنوان سنگر استفاده می کنند. «مجاهدین برای دستگیری استبداد طلبان - که بهالایت متارفته و آنجا را به صورت سنگر مرتفع و غیر قابل تسخیری در آورده بودند - فعالیت و تلاش زیادی نمودند، ولی به دستگیری و تسلیم آنان موفق نشدند. ناچار فکری اندیشیده و در زیر منار - از داخل - آتش روشن کردند، و در نتیجه، عدّه زیادی از افراد مذکور در اثر شعله آتش و دود، حاضر به تسلیم شده و به دست مجاهدین به قتل رسیدند. در همین حال، یکی از پناهندگان به نام «احمدآقا» از ترس اینکه بعد از تسلیم به قتل برسد، خود را از بالای منار به پایین می اندازد. اتفاقاً نامبرده با انجام این کار

هیچ گونه آسیبی نمی بیند و به مجرد سقوط از زمین برخاسته و پا به فرار می گذارد، ولی مجاهدین او را دستگیر نموده و به قتل می رسانند». [حقیقت، تاریخ، ۳۳۴]

بعد از مشروطه - به ویژه در دوره پنجم مجلس شورای ملی - میرزا رضا شریعتمدار دامغانی، از سوی دامغان و شاهرود به نمایندگی انتخاب شد. وی از همزمان شهید سید حسن مدرس بود، که در قضیه مخالفت با جمهوری رضاشاهی به حمایت مدرس برخاست، و جزو گروه اقلیت مجلس پنجم بود. نمایندگان اقلیت ۱۳ تن و عبارت بودند از: سیدمحیی الدین شیرازی، حاج میرزا رضا شریعتمدار دامغانی، میرزاعلی کازرونی، علی اقبال الممالک شکوه نظام، حاج آقا اسماعیل عراقی، ملک الشعرا بهار، سید حسن مدرس، حائری زاده، سید حسن زعیم، میرسید احمد بهبهانی، اتابکی، قوام الدوله و میرسید مصطفی

در همین مبارزات پارلمانی و مردمی، شریعتمدار دامغانی نطقهای آتشینی در دامغان کرد. محل مبارزات وی و سخنرانیهای آتشین او در زیر زمین مسجد جامع دامغان بود. در سالهای قبل از انقلاب، آیت الله حاج شیخ محمد نصیری در صحن نو و آیت الله شریعتمداری در شبستان



قدیمی نماز می خواندند. در طی انقلاب شهید سید حسن شاهچراغی به همراهی آیت الله خرازی - که تا تابستان ۱۳۵۵ در دامغان تبعید بود - مردم را با افکار امام خمینی و اسلام انقلابی آشنا کردند. به همت شهید سید حسن شاهچراغی - که در آن زمان طلبه ۲۵ ساله ای بوده، پربرای مراسم همچون سالگرد آیت الله علامه امینی - در تابستان ۵۶ - و سخنرانیهای متعددی از حجة الاسلام والمسلمین قرائتی، باعث عشق مردم به افکار امام خمینی شد.

در ماه مبارک رضائی که مصادف با تابستان ۱۳۵۷ بود، شهید سید حسن شاهچراغی فعالیت جدی و گسترده ای را آغاز نمود. ایشان در مسجد تکیه خوریا، که در کنار مسجد جامع بود بعد از نماز مغرب و عشا به امامت پدر محترمشان، حاج سید مسیح شاهچراغی به سخنرانی می ایستاد. تا آنکه شهربانی محل، این سخنرانی را تعطیل کرد. و وی را از تشکیل جلسه بازداشت و در مسجد خوریا را قفل نمود. از این رو، وی مردم را به صحن شبستان قدیم مسجد جامع - که آیت الله سید محمود ترابی در آن نماز می گزارد، دعوت کرد و سخنرانیهای خود را در آنجا ادامه داد.

او در این سخنرانیها، علاوه بر تبلیغ گسترده مردم به برگزاری نماز عید سعید فطر، آنان را به بیرون شهر هدایت کرد. در این روز، بسیاری از مردم دامغان به حمایت از روحانیون انقلابی، همچون آیت الله حاج سید محمود ترابی، آیت الله حاج شیخ حاج محمد ترابی و آیت الله حاج سید مسیح شاهچراغی، به مدفن بکیرین امین در بیرون شهر آمده اند و نماز باشکوهی برگزار کردند. این نماز باعث وحشت فرماندار، شهردار و دیگر مسئولین وقت شهر شد. بطوری که جدی، فرماندار وقت دامغان، در این نماز و مراسم شرکت کرد.



انتشار فصلنامه پژوهشی قیسات است، که تاکنون شش شماره از آن انتشار یافته و با داعیه طرح مسائل نظری برای مخاطبان نخبه و فرهیخته عرضه می شود.

پژوهشگاه تاکنون فعالیتهای علمی زیادی را به اجرا گذاشته است، از جمله:

۱. تحقیقات

۲۴۰ پروژه تحقیقی در واحدهای پژوهشگاه به انجام رسیده است. از این تعداد تاکنون ۴۰ عنوان به چاپ رسیده، و ۳۰ عنوان دیگر در دست نشر است و ۱۷۰ عنوان دیگر از طرحهای تحقیقی نیز تا پایان سال جاری به اتمام خواهد رسید.

۲. همایشها

در کنار این فعالیتهای همایشها و نشستهای علمی - فرهنگی متعددی از سوی پژوهشگاه برگزار شده است:

الف. پس از سفر پر خیر و برکت مقام معظم رهبری به قم و تأکید ایشان بر ضرورت طرح مسائل جدید فقهی - فکری در حوزه، پژوهشگاه سلسله همایشهای علمی ای را با حضور اساتید و شرکت فضلا و طلاب جوان ترتیب داده است، که تاکنون در شش نشست موضوعات پول در نگاه فقه و اقتصاد، فلسفه فقه (مبحث مصلحت)، ماهیت فلسفه دین و کلام جدید، نسبت و مناسبات علم و دین، و دین و اخلاق، با حضور کارشناسان و اساتید فن مطرح شده که - به اذعان اهل نظر - تأثیر بسیار مثبتی در فضای حوزه داشته است و - به خواست خدا - با طرح موضوعات تازه ای استمران خواهد یافت.

ب. برگزاری مشاوب جلسات «گفتنمان دانشوران»، ویژه اساتید دانشگاه به منظور فراهم کردن فضای آزاد، برای تضارب آرا میان نخبگان و خبرگان، برنامه دیگر پژوهشگاه است که در تهران جریان دارد.

ج. طرح «هم اندیشی متخصصان و صاحب نظران فقه حکومتی» در حوزه علمیه قم، با حضور فقها و تحلیلگردگان متخصص نیز، منظومه دیگری است که طرح و بحث تخصصی معضلات نظری نظام را، در حوزه اقتصاد و حقوق، به منظور گره گشایی و راهکارهایی وجهه همت خود قرار داده است.



۳. حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ قزوین، تهران، چاپخانه اطلاعات، ۱۳۴۴
۴. شیندلر، هوتوم، سفرنامه خراسان، به اهتمام قدرت الله روشنی (زعفرانلو)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷
۵. عدل، شهریار، کتبیبه کاشی مشاره مسجدجامع دامغان، مجله اثر، ش ۸ و ۹
۶. محیط طباطبایی، سیدمسجد، تطور حکومت ایران بعد از اسلام، تهران، بهشت، ۱۳۶۷
۷. مقدسی، شمس الدین ابویوکر، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان
۸. میرزا ابراهیم، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، تصحیح مسعود گلزاری، تهران، بنیادفرهنگ ایران
۹. ویلبر، دونالد، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه عبدالله فریاد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۱۰. ویلسن، ج. کرستی، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریاد، تهران، فرهنگسرا (ساوی)، ۱۳۶۲

انتشار خبر کشتار مردم تهران در جمعه خونین، ۱۷ شهریور ۵۷، تأثیر عظیمی بر مردم گذارد و موجب شد تا صفوف نماز جماعت در این شهر مستحکم تر شود. در مهرماه همین سال، جامعه اسلامی معلمان دامغان پایه گذاری شد، و ۲۳ نفر از معلمین انقلابی، نخستین اتحاد و جماعت گسترده را در حمایت از امام خمینی به عمل آوردند. کلاسهای دبیرستانها و مدارس دامغان تعطیل و اعتصابهای گسترده آغاز شد. بعدها پایگاه و مرکز این فعالیتهای به مسجد جامع منتقل گردید.

از دی ماه ۱۳۵۷، شهر به دست مردم و نیروهای انقلابی افتاد، که مقر اصلی عملیاتی آنها - بویژه در هنگام شب - مسجد جامع دامغان بود، و این وضع تا ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ باقی ماند.

همیشه مبدأ راهپیماییهای انقلاب و بعد از آن مسجد جامع بود. نخستین نماز جمعه دامغان در تابستان ۱۳۵۸ به امامت آیت الله حاج شیخ غلامعلی نعم آبادی برگزار شد که سالها به طول کشید. نامبرده هم اکنون امام جمعه بندرعباس است. هم اکنون نیز نماز جمعه دامغان، به امامت آیت الله حاج سید محمود تهرانی و در صحن نو (بخش هفتم) برگزار می شود.

پی نوشت:

۱. دیوان اعلی، که در رأس آن صدراعظم قرار داشت، از عهد صفویه به بعد، شاه را در امور مهم اداره کشور یاری می داد و تقریباً با نخست وزیر و قوه مجریه، که بعد از مشروطه متداول شد، برابر است.

منابع:

۱. اعتماد السلطنه، محمدحسین خان (صنیع الدوله)، مطلع الشمس، تهران، (چاپ افست سنگی)
۲. پی. نا، سفرنامه بخارا، به اهتمام حسین زماتی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲

